

شیپور جنگی ویرانگر زده شد!

فرهاد شعبانی

بدنبال سخنرانی جنگی "جورج دبلیو بوش"، که سحرگاه امروز سه شنبه ۲۷ اسفند ۱۳۸۱ شمسی توسط خبرگزاریهای جهان پخش شد، شمارش معکوس برای آغاز جنگی ویرانگر شروع شده است. همه شواهد و قرائن دال براین است که هر لحظه که می‌گذرد، به شلیک اولین موشکهای "کروز" و ریزش بمب‌های سهمناک و ویرانگر بر سر مردم عراق نزدیک می‌شویم. "بوش" و "بلر" با نادیده گرفتن اعتراضات میلیونی مردم جهان، با عبور از روی پیکر خون آلود تظاهر کنندگانی که به نشانه خونین بود جنگ با تنی خون آلود در مسیر کاخهایشان فریاد "جنگ نه" را سر می‌دهند، و درحالی که آشکارا تمام هنجارها و توافقات بین‌المللی را زیر پا نهاده‌اند، دنیا را به سمت فاجعه‌ای سهمگین و پر هزینه می‌برند.

با این تصمیم جنایتکارانه، جهان رودروی فاجعه‌ای قرار گرفته است که زدودن اثرات و عوارض زیانبار آن بر انسان زنده امروز، نسل پا به دنیا نهاده فردا و محیط زیست بشر دهها سال طول می‌کشد.

اگر از بررسی‌های کارشناسانه و آکادمیک فاصله بگیریم، این جنگ قرار است: — آمریکا را از امتیاز ویژه تسلط بر دومین ذخیره نفتی دنیا برخوردار کند. بوش در فرمان آغاز جنگ نتوانست این اشتیاق به اشغال سکوهای نفتی را پنهان نگهدارد. او به فرماندهان نیروهایش در منطقه دستور داد چاه‌های نفت نباید آسیب ببینند، همه چیز باید بسوزد و نابود شود بجز چاه‌های نفت عراق.

— قرار است آمریکا بر مقدرات و سرنوشت نه تنها مردم عراق، بلکه کل منطقه حاکم شود و هر تغییر و تحولی باید با اراده امپریالیسم آمریکا رقم بخورد.

— بنابه پیش‌بینی کارشناسان از جمله محقق نظامی معتبری چون سرلشکر "ولادیمیراسلیپچنکوی روسی" در جریان این جنگ کشتار عظیمی صورت می‌گیرد. طی ۳۰ روز در هر ۲۴ ساعت ۴۰۰ الی ۵۰۰ موشک "کروز" بسمت شهرهای عراق شلیک می‌شود.

— پیشرفته‌ترین سلاحهای کشتار جمعی آمریکا در جریان این جنگ آزمایش می‌شوند و از حاصل فروش آنها شرکت‌های تسلیحاتی آمریکا ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار سود می‌برند.

— آمریکا از بمب‌های خوشه‌ای که خود دهها و صدها بچه بمب می‌زایند، و همچنین از بمب جدید پالسی با ابعاد ویرانگر انسانی محیط زیستی‌اش استفاده می‌شود.

کارشناسان دیگری از رقم ۵۰۰ هزار کشته و دهها برابر زخمی سخن می‌گویند. و اما ما انسانهای شاهد این جنگ، جا دارد و نهایت احساس مسئولیت است که برای لحظاتی در خلوت خود به ابعاد این فاجعه انسانی و پیامدهای بعدی آن بیاندیشیم.

به طپش قلب ۵۰۰ هزار پدر و مادری که فرزندانشان را از دست می‌دهند. به ناله و فغان چند صد هزار فرزندان قربانیان این جنگ، به بی‌پناهی چند صد هزار زن که همسرانشان را از دست خواهند داد. به تاثیرات بکارگیری مواد شیمیایی و غیر شیمیایی که قرار است در این جنگ آزمایش شوند، بر بازماندگان در منطقه. به تاثیرات روانی و روحی عبور از صحنه‌های جنگ و دیدن جنازه‌های مثله شده و پاره پاره قربانیان و خرابیهای مهیب بر روی ساکنین و سربازان درگیر در جنگ.

علاوه بر اینها، قرار است جنبش حق طلبانه مردم کردستان به پای این جنگ قربانی شود. جنبشی که نسلهای چندی هست و نیست خود را برای رسیدن به اهداف و آرمانهایش در طبق اخلاص گذاشتند. موارد بالا تنها بخش بسیار کوچکی از عوارض و ابعاد زیانبار انسانی این بربریتی است که آمریکا و متحدینش به بشریت امروز تحمیل می‌کنند.

جنگ با عراق تنها سرآغاز این بربریت است. مگر نمی‌شنویم و نمی‌خوانیم که دیروز افغانستان، امروز عراق، فردا این و پس فردا آن. این روندی است که جهان مرعوب میلیتاریزم آمریکا باید در انتظارش باشد.

پرسش این است. چکار باید کرد؟ بعضی‌ها می‌گویند کاری از دست ما ساخته نیست. اما چنین نیست. جنبشی عظیم به وسعت کره زمین علیه این بربریت و جنگ ناشی از آن برافزوده است. این جنبش واقعیت و قدرتی انکارناپذیر است. ما باید هم صدا با مردم جهان از آخرین دقایق مانده به شلیک گلوله‌های مرگبار برای جلوگیری از وقوع این فاجعه و اجرای تصمیم وحشیانه "بوش" و "بلر" بهره بگیریم.

جهان در آستانه یک دو راهی سرنوشت ساز قرار گرفته است. تحکیم بربریت سهمناک آمریکائی و متحدینش یا پانهادن در مسیری که بشریت را به سمت عدالت و آزادی سوق می‌دهد. انتخاب ما اجتناب ناپذیر است.